

زندگینامه ملاصدرا

ولادت

صدر الدین محمد شیرازی، معروف به «صدرالمتالهین» و «ملاصدرا»، حکیم، عارف، محدث و مفسر بزرگ شیعه و اسلام در سال 979 یا 980 (نهم جمادی الاولی) هجری قمری در شیراز به دنیا آمد.

پدر ملاصدرا - خواجه ابراهیم قوامی - سیاستمداری دانشمند و مؤمن بود و با وجود داشتن ثروت و عزت و مقام، هیچ فرزندی نداشت ولی سرانجام بر اثر دعا و تضرع فراوان به درگاه الهی، خداوند پسری به او داد که نامش را محمد گذاشتند.

سفرهای ملاصدرا / سفر به قزوین

ظاهراً ملاصدرا در سن شش سالگی به همراه پدر به قزوین رفته و در کنار اساتید فراوانی که در همه رشته‌های علمی در آن شهر بودند به آموزش مقدماتی و متوسطه پرداخته و زودتر از دیگران به دوره عالی رسیده است.

دو استاد بزرگ ملاصدرا

ملاصدرا در قزوین با دو دانشمند و نابغه بزرگ، یعنی شیخ بهاءالدین عاملی (شیخ بهایی) و میرداماد - که نه فقط در زمان خود، که حتی طی چهار قرن که از آنها گذشته، بی‌نظیر و سرآمد بوده‌اند - آشنا شد و به دروس آنان رفت. در ظرف مدتی کوتاه او نیز با نبوغ خود سرآمد شاگردان آنها شد.

شیخ بهاء نه فقط در فقه، حدیث، تفسیر، کلام و عرفان متخصص بود بلکه در

نجوم و ریاضیات نظری و مهندسی و معماری و پزشکی و برخی از علوم غریبه هم استاد بود.

میرداماد، نابغه بزرگ دیگر، از همه دانشهای روزگار خود باخبر بود ولی حوزه درس او به فقه و حدیث و بیشتر به فلسفه اختصاص داشت. وی در دو شاخه مشائی و اشراقی فلسفه اسلامی ممتاز و سرآمد بود.

ملاصدرا بیشترین بهره خود را در فلسفه و عرفان از میرداماد گرفت و همواره او را مرشد و استاد حقیقی خود معرفی می‌کرد.

سفر ملاصدرا به اصفهان

با انتقال پایتخت صفویه از قزوین به شهر اصفهان (سال 1006 هـ / 1598 م) شیخ بهایی و میرداماد نیز به همراه شاگردان خود به این شهر آمدند و بساط تدریس خود را در آنجا گسترده کردند. ملاصدرا که در آن زمان 26 تا 27 سال داشت، از تحصیل بی‌نیاز شده بود.

بازگشت ملاصدرا به شیراز

ملاصدرا به احتمال قوی در حدود سال (1010 هـ / 1602 م) به شهر خود شیراز بازگشت.

رقبای او که از طرفی موقعیت اجتماعی خود را نزد دیگران در خطر می‌دیدند یا به انگیزه دفاع از عقاید خود و برخی شاید از روی حسادت، بنای بد رفتاری را با وی گذاشتند و آراء نو او را به مسخره گرفتند و به او توهین کردند.

هجرت ملاصدرا به قم

این رفتارها و فشارها با روح لطیف ملاصدرا نمی‌ساخت و از طرفی ایمان و دین و تقوای او به او اجازه عمل مقابله به مثل را نمی‌داد، از اینرو از شیراز به صورت قهر بیرون آمد و به شهر قم رفت که در آن هنگام هنوز مرکز مهم علمی و فلسفی نشده بود.

ملاصدرا در خود شهر قم هم نماند و به سبب گرما و شاید دلایل اجتماعی مشابه شیراز به روستایی بنام کَهِکْ در نزدیک شهر قم منزل گزید و آثار خانه او در آن روستا هنوز باقی است.

عبادت و ریاضت ملا صدرا

ملاصدرا مدتی درس و بحث را رها کرد و همانگونه که خود در مقدمه کتاب بزرگ خود - اسفار - گفته است، عمر خود را به عبادت و روزه و ریاضت گذراند و از این فرصت که برایش فراهم شده بود استفاده کرد و مراحل و مقامات معنوی عرفانی را با شتاب بیشتری طی کرد و به بالاترین درجه معنویت رسید.

وی در این دوران - که از نظر معنوی دوران طلایی زندگانی اوست توانست به مرحله کشف و شهود غیب برسد و حقایق فلسفی را نه در ذهن که با دیده دل ببیند و همین سبب شد که مکتب فلسفی خود را کامل سازد.

وی تا حدود سال (1040 هـ / 1632 م) به شیراز باز نگشت و در روستای کهک قم ماند و شاگردان بزرگی را پرورش داد و در تمام این مدت به نوشتن کتب معروف خود مشغول بود یا رساله‌هایی در پاسخ فلاسفه همزمان خود می‌نوشت. دو تن از شاگردان معروف او به نام «فیاض لاهیجی» و «علامه فیض کاشانی» هستند که هر دو داماد ملاصدرا شدند و مکتب او را ترویج کردند.

بازگشت ملاصدرا به شیراز

در حدود سال (1039 - 1040 هـ / 1632 م) ملاصدرا به شیراز بازگشت. عقیده برخی بر آنستکه این بازگشت بسبب دعوت حاکم استان فارس یعنی اللهوردیخان از وی بوده، زیرا مدرسه‌ای را که پدرش امام قلیخان بنا کرده بود به پایان برده و آنرا آماده برای تدریس فلسفه ساخته بود و با سابقه ارادتی که به ملاصدرا داشته وی را برای اداره علمی آن به شیراز دعوت کرده است.

ملاصدرا در شیراز نیز به تدریس فلسفه و تفسیر و حدیث اشتغال یافت و شاگردانی را پرورش داد. از کتاب سه اصل - که گویا در همان زمان در شیراز و به فارسی نوشته شده، و به علمای زمان خود اعم از فیلسوف و متکلم و فقیه و طبیعیدان حمله‌های سخت نموده - چنین بر می‌آید که در آن دوره نیز مانند دوره اول اقامت در شیراز زیر فشار بدگوئی‌ها و بدخوئی‌های دانشمندان همشهری خود بوده است ولی این‌بار مقاوم شده و تصمیم داشته در برابر فشار آنها پایداری کند و مکتب خود را بر پا و معرفی و نشر نماید.

سفرهای زیارتی ملاصدرا به مکه

در زندگی ملاصدرا نوشته‌اند که وی هفت سفر - پیاده - به سفر مکه رفته است. در چهارصد سال پیش این سفر را با اسب یا شتر و از راه صحرای خشک مرکزی عربستان طی می‌نمودند. بنابراین، سفر حج نوعی ریاضت هم شمرده می‌شد.

در این سفر که به صورت کاروانهای بزرگ حاجیان انجام می‌شد عده‌ای از گرما و تشنگی و خستگی در راه می‌مردند. با این وصف طی این سفر که چند هزار کیلومتر راه دشوار بود با پای پیاده، مسلماً دشواریهای بیشتری داشته و

قوت اراده و ایمان را می‌طلبیده است.

ملاصدرا هفت بار قدم در این راه گذاشت و سرانجام در سفر هفتم بر سر راه خود به مکه و زیارت کعبه در شهر بصره (در خاک عراق) بیمار شد و چشم از جهان فرو بست.

نظر بزرگان درباره ملاصدرا

امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در یکی از مصاحبه‌های خود درباره علل شکل‌گیری انقلاب در پاسخ به این سوال خبرنگار «یک سؤال شاید کمی شخصی دارم که مطرح کنم؛ چه شخصیت یا شخصیت‌هایی - در تاریخ اسلامی یا غیر اسلامی - غیر از رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) شما را تحت تأثیر قرار داده است و روی شما مؤثر بوده است؟ و چه کتابهایی - بجز قرآن - در شما اثر گذاشته است؟» می‌فرماید: من نمی‌توانم به این سؤال الآن جواب بدهم. احتیاج به تأمل دارد. کتابهای زیادی ما داریم؛ شاید بتوان گفت در فلسفه: ملا صدرا، از کتب اخبار: کافی، از فقه: جواهر. علوم اسلامی ما خیلی غنی هستند؛ خیلی کتب داریم. نمی‌توانم برای شما احصا کنم. (صحیفه امام، ج 5، 271 - مصاحبه با محمد حسنین هیکل درباره علل شکل‌گیری انقلاب)

حضرت امام در شرح چهل حدیث، ملاصدرا را فخر شیعه معرفی می‌کند و او را چنین لقب می‌دهد: «و جناب محقق فلاسفه و فخر طایفه حقه، صدر المتألهین، رضوان الله علیه»

آیت الله سید احمد فهری در مقدمه ترجمه شرح دعای سحر امام خمینی (ره) درباره حساسیت امام نسبت به ملاصدرا می‌نویسد: «(امام خمینی) از میان

حکما و عرفای گذشته علاقه خاصی به صدر المتألهین دارد و او را فردی محقق و متخصص که بسیاری از معارف را فهمیده و چشیده و مشکلات و مسائل را حل کرده است می‌داند. شنیده‌ام که روزی در درس به عنوان تجلیل از مقام این فیلسوف عارف و در رابطه با تقدیر از علم و توبیخ کوتاه فکران که پیوسته درباره او سخنان ناشایست می‌گویند چنین فرموده است: «ملا صدرا و ما ادریک ما ملا صدرا؟! او مشکلاتی را که بو علی به حل آن در بحث معاد موفق نشده بود حل کرده است!»

امام در پیام مهم و تاریخی خود میخائیل گورباچف می‌نویسد: «از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدر المتألهین - رضوان الله تعالی علیه و حشره الله مع النبیین و الصالحین- مراجعه نمایند، تا معلوم گردد که: حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده، و هر گونه اندیشه از ماده منزّه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.»

امام خمینی در کتاب کشف الاسرار عبارت عجیبی درباره ملا صدرا دارد. ایشان می‌نویسد: «محمد بن ابراهیم شیرازی از بزرگترین فلاسفه الهی و موسس قواعد الهیه و مجدد حکمت ما بعد الطبیعه، او اول کسی است که مبدا و معاد را بر یک اصل بزرگ خلل ناپذیر بنا نهاد و اثبات معاد جسمانی با برهان عقلی کرد و خللهای شیخ الرئیس را در علم الهی روشن کرد و شریعت مطهره و حکمت الهیه را با هم ائتلاف داد، ما با بررسی کامل دیدیم هر کس درباره او چیزی گفته از قصور خود و نرسیدن به مطالب بلندپایه اوست»

علامه سید محمدحسین طباطبائی

علامه طهرانی در کتاب مهر تابان درباره نظر علامه طباطبائی نسبت به

ملاصدرا می‌نویسد: علامه طباطبائی فلسفه صدر المتألهین را به واقع نزدیکتر می‌یافتند. و خدمت او را به عالم علم و فلسفه به علت تکثیر مسائل فلسفه (که در این فلسفه، از دویست مسأله به هفتصد مسأله ارتقاء یافت) فوق العاده تقدیر می‌کردند.

و از اینکه صدر المتألهین تنها بدنبال مکتب مشائین نرفته؛ و فلسفه فکری و ذهنی را با اشراق باطنی و شهود قلبی جمع کرده، و هر دوی آنها را با شرع انور تطبیق نموده است بسیار تحسین می‌کردند....

مرحوم استاد معتقد بودند که صدر المتألهین فلسفه را از اندراس و کهنگی بیرون آورد، و روح نوینی در آن بخشید، و جان تازه‌ای در او دمید؛ پس می‌توان او را زنده کننده فلسفه اسلامی دانست.

و از اینها گذشته استاد ما نسبت به مقام زهد و بی‌اعتنائی بدنیا، و به روش ارتباط با خدا، و تصفیه باطن، و ریاضات شرعی، و انزوائی که صدر المتألهین داشت و در کهک قم به تصفیه سر مشغول شد و طهارت نفس را اهمّ از هر چیز شمرد، بسیار ارزش قائل بوده و تحسین می‌نمودند.

و معتقد بودند که: غالب اشکالاتی که بر صدر المتألهین و فلسفه او می‌شود، ناشی از عدم فهم و عدم وصول ادراک بحاقّ مسائل اوست. گرچه خود ایشان نیز به بعضی از استدلالات او نظرهایی داشتند؛ ولی من حیث المجموع او را زنده کننده فلسفه اسلامی، و از طراز فلاسفه درجه اوّل اسلام چون بو علی و فارابی می‌شمردند.

آیت الله حسن رضانی از استاد علامه حسن زاده آملی نقل کرده که وقتی در محضر استاد علامه طباطبائی صاحب المیزان سخن از اقامه برهان بر اصول معارف قرآنی و عقائد انسانی عنوان شده است فرمود: اینها را

ملاصدرا به ما یاد داده است. و وقتی به تنهایی در محضر مبارکش مشرف بودم که سخن از خدمت علمی این اکابر الهی به میان آمد فرمود: آقا آنهمه ناملایمات روزگار را چشیده‌اند، و آنهمه سنگ حوادث را خورده‌اند، و طعن‌ها و دشنام‌ها از این و آن شنیده‌اند، و محرومیت‌ها و آوارگی‌ها را تحمل کرده‌اند، ولی دست از گوهر گرانبهای عقیدت ایقانی، و حقیقت ایمانی خود برنداشته‌اند و با همه آن رنج و سختی‌ها معارفی را که با خون جگر تحصیل کرده‌اند نوشتند و گذاشتند و گفتند حق و حقیقت این است که نوشته‌ایم.

همچنین آیت الله حسن رمضانی نقل کرده علامه حسن زاده آملی می‌فرمود: جناب علامه طباطبایی رحمت الله علیه، کلید را از جیبشان در آورده بودند و می‌خواستند در منزل را باز کنند و بروند داخل. نگاهی کردند به من و فرمودند: آقا ما هر چه داریم از آخوند (یعنی ملاصدرا) داریم.

(گروه آیین و اندیشه خبرگزاری فارس: در اصطلاح فلاسفه و حکمای معاصر، مراد از آخوند، صدرالمتألهین شیرازی است و اگر حکما و فلاسفه، کلمه آخوند را به تنهایی و به صورت مطلق بگویند منظورشان ملاصدرا است)

علامه محمدرضا مظفر

علامه محمدرضا مظفر در مقدمه خود بر اسفار می‌نویسد: سخن گفتن از صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی قوامی، نویسنده کتاب اسفار، که در بین مردم به ملا صدرا و در میان شاگردان مکتبش به صدر المتألهین مشهور است، برایم بسی لذت‌بخش است. من از عقل و خرد، روح بلند، نیروی مقاومت، آزاد اندیشی، بیان نیکو، کمال و پختگی اندیشه‌ها و صراحت در ابراز عقاید و افکار این مرد بزرگ، با وجود تکفیر و آن همه آزار که در حق

وی رفته است، شگفت زده‌ام. ویژگی‌هایی که برشمردم پیش از آنکه از تاریخ زندگی او درک کنم از نوشته‌ها و کتاب‌هایش احساس نموده‌ام.

علامه سید محمد حسین طهرانی

علامه طهرانی در کتاب‌الله شناسی عبارت جالبی درباره صدرالمتألهین دارد. می‌نویسد: این برهان که متّخذ است از مجموع کتب صدر المتألهین شیرازی؛ افتخار ما و افتخار اسلام و مسلمین و افتخار بشریت تا روز قیامت، ملاحظه می‌کنید که چقدر انسان دارای ترقّی و کمال بوده است! و کسانی که از فلسفه و حکمت وی دور هستند و در تکاپوی فهم آن عمر عزیزشان را سپری نمی‌کنند چقدر در ظلمت و جهالت غوطه ورنند.

در کتاب امام شناسی می‌نویسد: کتاب‌های صدر المتألهین شیرازی رضوان الله علیه حقّاً موجب فخر عالم تشیّع و بلکه عالم اسلام است؛ تحقیقات و تدقیقات این راد مرد بزرگ در زوایای آیات و روایات، مشکل گشای اساسی راه معرفت و پیشرفت است.

شهید استاد مطهری

شهید مطهری ارادت خاصی به ملاصدرا داشته و اسم انتشارت خود را صدرا نامگذاری کرده است و در سفرش به شیراز عنوان کرده بود که چقدر لذت‌بخش است در جایی نفس می‌کشم که ملاصدرا 400 سال پیش در این شهر نفس کشیده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

رهبر معظم انقلاب در پیام خود به همایش جهانی بزرگداشت صدرالمتألهین (ره) فرمود: «از تشکیل این مجمع بزرگ علمی و فکری که برگرد اندیشه و

شخصیت فیلسوف نامدار ایرانی، حکیم صدرالمতالیهین شیرازی فراهم آمده، احساس افتخار و مسرت می‌کنم و خدای سبحان را سپاس می‌گویم.

اگر چه دانسته‌های دنیای غرب و حتی بخشهایی از دنیای اسلام از این شخصیت کم نظیر چندان وسیع نیست، ولی حوزه‌های فلسفی ایران لااقل در سه قرن اخیر – یعنی تقریباً از صد سال پس از تألیف کتاب اسفار تا کنون – یکسره از آراء فلسفی صدرالمতالیهین تغذیه شده و کتابها و آراء مهم او – که بسیاری از آنها حداقل در قالب استدلالی و عقلانی اش از ابتکارات اوست – محور درس و تحقیق و شرح و تنقیح بوده است.»

مکاشفه صدر المتألّهین در حرم فاطمه معصومه (س)

ملاصدرا، هنگامی که در کهک زندگی می‌کرد، برای عرض ادب و توسل به بارگاه کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (س) مشرف می‌شد.

از وی نقل شده: هرگاه در زمینه مسائل علمی، مشکلی برایم پیش می‌آمد که از حلّ آن عاجز می‌ماندم، با پای پیاده از کهک به قم می‌رفتم و به کنار قبر حضرت فاطمه معصومه – سلام الله علیها – رفته، از آن حضرت استمداد می‌نمودم. با این کار، مسأله و مشکل من حل می‌شد و سپس به روستای کهک باز می‌گشتم.

در یکی از این سفرها در جوار قبر فاطمه معصومه یک مساله مهم و پیچیده فلسفی یعنی اتحاد عاقل و معقول در یک مکاشفه عرفانی، برایش حل شد. او خود در این زمینه می‌گوید: مساله اتحاد عاقل و معقول از مشکلترین مسائل فلسفی است که تاکنون هیچ فیلسوف مسلمانی توفیق حل آن را پیدا نکرده است. من با توجه کامل به سوی خدای سبحان از او خواستم که مشکل برایم حل شود.

دری از رحمت حق بر من گشوده شد و در این مورد معرفت جدیدی برایم حاصل شد. «كنت حين تسويد هذا المقام بكهك من قري قم، فجئت الى قم زائرا لبنت موسى ابن جعفر مستمدا منها و كان يوم الجمعة فانكشف لي هذا الامر» (14) هنگام نوشتن این بحث من درقریه کهک قم بودم. از آنجا رهسپار قم شدم، به زیارت دختر موسی بن جعفر(س) مشرف گردیدم و از آن حضرت در حل این مساله یاری جست. به برکت او در روز جمعه این مطلب بر من کشف گردید. (اتحاد عاقل و معقول، علامه حسن زاده آملی، ص 108)

فرزندان ملاصدرا

ملاصدرا پنج فرزند داشته، سه دختر و دو پسر؛

1. ام کلثوم متولد سال 1019 هـ (1609م)،

بزرگترین فرزند ملاصدرا دختر او بنام ام کلثوم است که دانشمند و شاعر و زنی اهل عبادت و زهد بوده و به همسری ملا عبدالرزاق لاهیجی (شاگرد معروف ملاصدرا) درآمده است.

2. ابراهیم متولد سال 1021 (1611م)،

وی یکی از دانشمندان زمان خود بوده و فیلسوف و فقیه و متکلم و مفسر شمرده می‌شد و از علوم دیگر مانند ریاضیات نیز بهره داشته است.

وی کتابی به نام عروة الوثقی در تفسیر قرآن و شرحی بر کتاب روضه فقیه مشهور لبنانی «شهید» نوشته و چند کتاب دیگر در فلسفه نیز به وی نسبت داده‌اند.

3. زبیده متولد سال 1024 (1614م)،

وی همسر علامه فیض کاشانی (شاگرد دیگر ملاصدرا) شده است.

4. نظام الدین احمد متولد سال 1031 (1621 م)،

احمد در سال 1031 هـ (1621 م) در کاشان متولد و در سال 1074 (1664 م) در شیراز دار فانی را وداع کرده است. وی نیز فیلسوف و ادیب و شاعر بوده است.

5. معصومه متولد سال 1033 (1623 م)

این دختر ملاصدرا نیز نصیب یکی دیگر از شاگردان ملاصدرا بنام قوام الدین محمد نیریزی شد. و همسر فیض کاشانی (شاگرد دیگر ملاصدرا) شده و فرزندان برومندی را بدنیا آورده است و او نیز معروف به دانش و شعر و ادبیات است.

شاگردان ملاصدرا

برای ملاصدرا تا ده نفر شاگرد معروف شناخته و ذکر شده است که مشهورترین آنها دو نفر هستند؛

1. علامه فیض کاشانی، که از بزرگان علمای اسلام است.

2. فیاض لاهیجی

3. ملاحسین تنکابنی

4. حکیم آقاجانی

تالیفات ملاصدرا

کتاب‌های معروف صدرالمتالهین شیرازی که چاپ شده عبارتند از؛

1. الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة العقلیة در 9 جلد

این کتاب در واقع دائرة المعارفی فلسفی است و مجموعه‌ای از مسائل مهم فلسفه اسلامی همراه با آراء فلاسفه گذشته، از زمان فیثاغورس تا زمان ملاصدرا و پاسخ به آنها با استدلال‌های جدید و قوی است. به همین سبب در دوره عالی فلسفه حوزه‌های علمی دینی تدریس می‌شود.

تألیف این کتاب به تدریج از حدود سال 1015 (1605م) آغاز و تا سالهای بعد از 1040 (1630م) ادامه داشته و تقریباً بیست و پنج سال طول کشیده است.

2. تفسیر قرآن

ملاصدرا در طول عمر خود گهگاه و به مناسبت‌هایی به تفسیر یکی از سوره های قرآن پرداخته و در دهه آخر عمر خود از اول قرآن آغاز کرده تا همه آنها را به صورت یک تفسیر کامل در آورد ولی وفات کرد و این امکان برایش فراهم نشد.

نام سوره‌ها و ترتیب زمانی و تقریبی تألیف آنها بدین‌گونه است:

- 1- سوره حدید، 2- آیه الكرسی، 3- سوره سجده، 4- سوره زلزال، 5- آیه نور،
- سوره یس، سوره طارق 6- سوره اعلی، 7- سوره واقعه، 8- سوره فاتحه، 9-
- سوره جمعه، 10- سوره بقره.

در کتاب‌شناسی کتب ملاصدرا هر یک از این کتب، اثری مستقل به حساب آمده ولی ما آن را تحت عنوان واحد تفسیر قرآن ذکر کردیم. وی دو کتاب

دیگر درباره قرآن به نام «مفاتیح الغیب» و «اسرار الآیات» نوشته که در حکم مقدمه تفسیر و فلسفه تفسیر قرآن محسوب می‌شود.

3. شرح الهدایة

4. المبدأ و المعاد

نام دیگر آن نیز الحکمة المتعالیه بوده است و آنرا می‌توان خلاصه نیمه دوم اسفار دانست.

5. المظاهر الإلهية

6. حدوث العالم

مسئله حدوث عالم از نظر فلسفی مسئله‌ای دشوار و مورد بحث بسیاری از فلاسفه بوده و ملاصدرا در آن علاوه بر نقل آراء حکمای پیش از سقراط و پس از او و برخی فلاسفه مسلمان، نظریه قاطع خود را از راه تئوری حرکت جوهری اثبات کرده است.

7. اکسیر العارفین

8. الحشر

موضوع این کتاب نحوه حشر موجودات در روز قیامت است و در آن، برای اولین بار نظریه حشر حیوانات و اشیاء را در روز قیامت بیان کرده است.

9. المشاعر

کتاب کوچکی است درباره وجود و موضوعات پیرامونی آن، که کتابی عمیق و پرمایه است.

10. الواردات القلبية

11. ايقاظ النائمين

در عرفان نظری و عملی و علم توحید نوشته شده و جنبه ارشادی و تربیتی دارد و خفتگان را بیدار می‌کند.

12. المسائل القدسية

13. عرشية

يا الحكمة العرشية، كتاب غيراستدلالي دیگری درباره مکتب ملاصدرا است که در آن مانند کتاب المظاهر فهرست‌وار به اثبات مبدأ و معاد پرداخته است.

14. الشواهد الربوبية

15. شرح شفا

16. حاشیه بر شرح حکمة الاشراف

17. اتحاد عاقل و معقول

18. اجوبه المسائل

19. اتصاف الماهية بالوجود

20. التشخص

21. سريان نور الوجود

در این رساله نحوه نزول یا سریان وجود از منبع حقیقی و اصلی بر موجودات (ماهیات) بیان شده است.

22. لمية اختصاص المنطقة

23. خلق الاعمال

در مسئله جبر و اختیار انسان است.

24. قضا و قدر

25. زاد المسافر

26. شواهد الربوبیه

این رساله ربطی به کتاب الشواهد الربوبیه ندارد و فهرستی از تئوری‌ها و آراء مخصوص اوست که توانسته به آنها شکل فلسفی بدهد.

27. مزاج

درباره حقیقت مزاج در انسان و رابطه آن با بدن و روح است.

28. متشابهات القرآن

این رساله درباره آیاتی از قرآن است که دارای معانی پنهانی و پیچیده است. این رساله فصلی از کتاب مفاتیح الغیب شمرده می‌شود.

29. اصالت جعل وجود

30. الحشرية

در شرح پس از مرگ و حضور مردم در روز قیامت و پاداش در بهشت و
کیفر در جهنم است.

31. الالفاظ المفردة

فرهنگ کوچکی برای شرح کلمات قرآن است.

32. ردّ شبهات ابلیس

هفت شبهه شیطان را بیان و پاسخ داده است.

33. سه اصل

این کتاب تنها کتاب ملاصدرا به زبان فارسی است که در آن به بهانه سه
اصل اصلی اخلاقی، به موضوعات اخلاقی و تربیتی دانشمندان پرداخته و به
فلاسفه همزمان خود پند داده است.

34. کسر اصنام الجاهلیة

مقصود ملاصدرا از این کتاب، محکوم کردن جهله صوفیه است.

35. التنقیح

36. التصور و التصدیق

37. دیوان شعر

38. مجموعه یادداشت‌های علمی - ادبی

39. نامه و مکاتبات

وفات ملاصدرا در سفر حج

چنانکه گفته شد ملاصدرا هفت بار برای زیارت خانه خدا پیاده سفر کرد و سرانجام در سفر هفتم بر سر راه خود به مکه و زیارت کعبه در شهر بصره (در خاک عراق) بیمار شد و چشم از جهان فرو بست.

سال درگذشت ملاصدرا بنا به مشهور سال (1050 هـ / 1640 م) است، و برخی درگذشت وی را سال (1045 هـ / 1635 م) دانسته‌اند. (نوه او به نام محمد علم الهدی - که یکی از ستارگان دانش در زمان خود و فرزند علامه فیض کاشانی است - آنرا در یادداشتهای خود ضبط کرده است، و قطع ناگهانی و ناقص ماندن برخی تألیفات وی مانند تفسیر قرآن و شرح اصول کافی از در حدود سال (1044 هـ / 1634 م) مؤید این ادعاست.)

وفات ملاصدرا در بصره بود ولی او را به شهر نجف که آرامگاه امام علی علیه‌السلام در آن قرار دارد بردند و بنابر گفته نوه او - علامه علم الهدی - او را در طرف چپ صحن حرم امام علی علیه‌السلام دفن کردند.

انتهای پیام/ک